

## The Political Economy of ASEAN's Regional Integration

---

Ahmad Ramezani<sup>1</sup> – Hossein Moinabadi Bidgoli<sup>2\*</sup>

---

### Abstract

One of the important dimensions of cooperation in the international area is regional integration in which framework, specific regional countries are moving towards more integration. The integration of countries begins with the Free Trade Area (or preferential trade) and ends with the completion of two stages in the trade union and the common market or the full economic (political) union. The main question is why, after more than five decades of ASEAN's formation, this regional institution has not yet reached full political-economic integration? The research findings indicate that the integration trend, although with slight fluctuations, shows growth and expansion. There is also evidence that ASEAN faced with challenges such as, not so self-sufficient economic strength, dependence on foreign trade, a significant difference in member capabilities and inadequate coordination or political differences which are important barriers to achieving ASEAN's more economic integration. The aforementioned items have prevented ASEAN from achieving full political-economic integration, and now, ASEAN is pursuing its goal of a common market, with the passage of stages such as the Preferential Trade, the Free Trade Area and the limited Customs Union (incomplete). The present study is a qualitative one which analyzes the hypothesis with a descriptive-analytic approach. The method of compiling the material is also a documentary.

**Keywords:** Political Economy, ASEAN, Regional Integration, Common Market.

- 
1. M. A of Southeast Asian Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.
  2. \*Assistant Professor, Dpt. Political Science, Faculty of Law and Theology, Shahid Bahonar University of Kerman, Iran. Corresponding Author: (moeini@uk.ac.ir).



## اقتصاد سیاسی همگرایی منطقه‌ای آسه آن

احمد رضائی<sup>۱</sup> - حسین معین آبادی بیدگلی<sup>۲\*</sup>

### چکیده

یکی از ابعاد مهم همکاری در عرصه بین‌المللی همگرایی منطقه‌ای است که در چارچوب آن، کشورهای منطقه‌ای خاص به سمت ادغام و یکپارچگی هرچه بیشتر پیش می‌روند. همگرایی کشورها از منطقه آزاد تجاری (یا تجارت ترجیحی) آغاز شده و پس از گذراندن دو مرحله اتحادیه گمرکی و بازار مشترک به اتحادیه کامل اقتصادی (سیاسی) ختم می‌شود. سوال اصلی این است که چرا بعد از گذشت بیش از پنج دهه از تاریخ شکل‌گیری آسه آن، این نهاد منطقه‌ای هنوز به همگرایی کامل اقتصادی سیاسی دست نیافته است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که روند همگرایی اگرچه با نوساناتی اندک، رشد و گسترش را نشان می‌دهد؛ لیکن شواهد نشان می‌دهد آسه آن در راه رسیدن به همگرایی کامل اقتصادی با چالش‌هایی چون: توان اقتصادی نه چندان خودبسنده، وابستگی به تجارت خارجی برون منطقه‌ای، تفاوت چشمگیر در توانایی‌های اعضا و عدم هماهنگی‌های کامل یا اختلافات سیاسی مواجه است که موارد مزبور مانع مهمی در راه دستیابی آسه آن به یکپارچگی اقتصادی بیشتر است. موارد مذکور آسه آن را از رسیدن به همگرایی کامل اقتصادی سیاسی بازداشته و با پشت سر گذاردن مراحل چون تجارت ترجیحی، منطقه آزاد تجاری، اتحادیه گمرکی محدود (ناقص)، درحال حاضر آسه آن به دنبال عملی ساختن هدف خود یعنی بازار مشترک است. پژوهش حاضر از نوع کیفی است که با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بررسی فرضیه می‌پردازد. روش گردآوری مطالب نیز اسنادی است.

واژگان کلیدی: اقتصاد سیاسی، آسه آن، همگرایی منطقه‌ای، بازار مشترک، همگرایی سیاسی و اقتصادی.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات آسیای جنوب شرقی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. \*استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران. نویسنده مسئول:

(moeini@uk.ac.ir)

## ۱- مقدمه

در چند دهه اخیر روند همکاری بین‌المللی رشد چشمگیری را پشت سر گذارده و این نشان‌دهنده پیوند هرچه بیشتر منافع کشورها در ابعاد مختلف است. جهان در دهه‌های اخیر به صورت قابل‌ملاحظه‌ای تغییر یافته است. بعد از پایان جنگ سرد، افزایش وابستگی متقابل و همگرایی در راستای جهانی‌شدن در مرکز توجه اقتصاد سیاسی بین‌الملل قرار گرفت. برخی محققان مانند اوهمای، استرنج و لوپل پیشنهاد کردند که این روند ممکن است منجر به پایان دولت-ملت، به‌عنوان شکل مسلط سازمان سیاسی شود. محققان دیگری معتقد بودند جهانی‌شدن عنوان غلطی است و به‌جای جهانی‌شدن و تنزیم دولت-ملت، همگرایی منطقه‌ای دولت-ملتهای مستقل، مهمترین و قابل‌توجه‌ترین پدیده در سیاست بین‌الملل است. همانگونه که دولت-ملت از رویارویی به سمت مصالحه و همکاری اقتصادی بیشتر حرکت می‌کند، همگرایی منطقه‌ای یکی از واقعیت‌های صحنه بین‌المللی شده است و نیاز به مطالعه بیشتر دارد (Ohmae. 1995, Lupel. 2004, Strange. 1996).

آسه آن به‌عنوان نهادی که از سابقه تاریخی بیش از ۵۰ سال برخوردار است؛ از زمان تاسیس در سال ۱۹۶۷ اهداف خود را بر همکاری و همگرایی بیشتر درون منطقه‌ای متمرکز ساخته و همواره سعی کرده است مرکزیت خود را در راه دستیابی به این اهداف حفظ کند. با رجوع به آمار تجارت آسه آن می‌توان به این مهم پی برد. تجارت درون منطقه‌ای آسه آن در دهه ۱۹۷۰ برابر با ۱۲ تا ۱۵ درصد بود که این رقم در اواسط دهه ۲۰۰۰ به بیش از ۲۵ درصد رسید. آسه آن در سند چشم‌انداز ۲۰۲۵ خود نیز بر همگرایی و یکپارچگی بیشتر در ابعاد مختلف تاکید کرده است. روند همکاری رو به رشد آسه آن نیز نوید دهنده گام‌های موفقیت در راستای کسب هدف بلند مدت یکپارچگی کامل است.

سوال اصلی مقاله حاضر این است که چرا بعد از گذشت بیش از پنج دهه از تاریخ شکل‌گیری آسه آن، این نهاد منطقه‌ای هنوز به همگرایی کامل اقتصادی سیاسی دست نیافته است؟ سوال‌های فرعی عبارتند از: ۱- چالش‌های همگرایی بیشتر آسه آن چیست؟ ۲- مراحل همگرایی منطقه‌ای آسه آن از چه زمانی آغاز شده و چه تحولاتی را به خود دیده است؟ ۴- بازار مشترک آسه آن چه ارکانی دارد و اعضا این نهاد چه سیاست‌هایی را جهت دستیابی به آن در پیش گرفته‌اند؟ فرضیه مقاله این است که اگرچه روند همگرایی با نوساناتی اندک، رشد و گسترش را نشان می‌دهد؛ ولیکن آسه آن در راه

رسیدن به همگرایی کامل منطقه‌ای با چالش‌هایی چون توان اقتصادی نه چندان خودبسنده، وابستگی به تجارت خارجی برون منطقه‌ای، تفاوت چشمگیر در توانایی‌های اعضا و عدم هماهنگی‌های کامل یا اختلافات سیاسی مواجه است که این امر مانع مهمی در راه دستیابی آسه آن به یکپارچگی اقتصادی بیشتر است. موارد مذکور آسه آن را از رسیدن به همگرایی کامل اقتصادی سیاسی بازداشته و با پشت سر گذاردن مراحل چون تجارت ترجیحی، منطقه آزاد تجاری، اتحادیه گمرکی محدود (ناقص)، درحال حاضر آسه آن به دنبال عملی ساختن هدف خود یعنی بازار مشترک است. در ادامه ابتدا برخی آثار موجود در حیطه موضوعی مقاله حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ سپس چارچوب مفهومی پژوهش یعنی پنج سطح همگرایی منطقه‌ای تشریح می‌شود و در نهایت سیر و روند همگرایی منطقه‌ای آسه آن از زمان شکل‌گیری آن (۱۹۶۷) تا کنون (۲۰۱۸) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

## ۲- ادبیات پژوهش

از جنگ جهانی دوم به بعد تعداد کشورها در عرصه‌ی جهانی رو به فزونی گذارد و اتحادیه اروپا نیز به تدریج پایه‌ریزی شد و به این ترتیب همگرایی منطقه‌ای جایگاه مهمی را در بررسی‌های نظری روابط بین‌الملل به خود اختصاص داد. اقتضائات نظام بین‌الملل و درهم تنیدگی آن با وابستگی متقابل اقتصاد جهانی که تحت تأثیر جهانی‌شدن اقتصاد می‌باشد، انگیزه‌هایی را برای همکاری‌های گسترده‌تر اقتصادی میان کشورها ایجاد کرده است. درحال حاضر همگرایی منطقه‌ای به صورت فزاینده‌ای در حال رشد است و بررسی تجربی این فرآیند در قالب نهاد آسه آن می‌تواند ابعاد گوناگون آن را پیش‌روی ما بگشاید و همچنین فرصت‌ها و چالش‌های آن را آشکار سازد. برخی از آثار که به بررسی نهاد آسه آن پرداخته و جنبه‌هایی از آن را مورد واکاوی قرار داده‌اند، به شرح زیر می‌باشند:

بهاره سازمند (۱۳۸۸) در کتاب *منطقه‌گرایی و هویت مشترک در جنوب شرقی آسیا* سعی دارد به این سوال که چرا فلسفه وجودی آسه آن بعد از فروپاشی کمونیسم همچنان ادامه یافت و از بین نرفت، پاسخ دهد. نویسنده سعی دارد به وسیله سه رهیافت واقع‌گرایی، لیبرالیسم و سازه‌انگاری به ترتیب شکل‌گیری، همگرایی اقتصادی و وجود هویت مشترک ناشی از هنجارهای درونی‌شده بین اعضا را مورد بررسی قرار دهد. علی امیدی (۱۳۸۵) در مقاله «تاثیر ژئوپلیتیک در رخوت همگرایی اکو و بلندگی آسه

آن» سعی دارد علل دخالت‌ها و همچنین عدم رشد سازمان اکو و همگرایی اقتصادی بیشتر آسه آن را توضیح دهد. نویسنده معتقد است به دلیل دخالت‌ها و منافی که قدرت‌های بزرگ در منطقه ژئوپولتیکی اکو دارند مانع رشد همگرایی اکو شده‌اند. در عین حال این قدرت‌ها در منطقه آسیای جنوب شرقی منافع زیادی ندارند و همین امر منجر به ارتقا همگرایی آسه آن شده‌است. علی‌امیدی (۱۳۸۸) در کتاب *منطقه‌گرایی در آسیا: نگاهی به سازمان‌های آسه آن، سارک و اکو*، معتقد است که در هزاره سوم سیر جهانی شدن در مسیر ادغام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به سرعت در حرکت است و دولت‌ها برای تقویت قدرت چانه زنی سیاسی و رقابت پذیری اقتصادهای ملی خود در فرایند جهانی شدن، به گروه بندی‌های منطقه‌ای پناه آورده‌اند. بهاره سازماند (۱۳۸۶) در مقاله «بررسی همگرایی اقتصادی در میان اعضای آسه آن از منظر بین‌حکومت-گرایی»، همگرایی اقتصادی آسه آن را از سال ۱۹۶۷ تا ۲۰۰۰ مورد بررسی قرار داده است. نویسنده معتقد است: فرآیند همکاری و همگرایی بین دولت‌ها ناشی از تصمیم‌گیری‌های نخبگان حکومتی و منافع و انگیزه آنان برای ارتقای تعهدات بین‌دولتی است. همچنین نویسنده مذکور (۱۳۸۸) در مقاله‌ای دیگر «منطقه‌گرایی اقتصادی در شرق آسیا: آسه آن +۳؛ چالش‌ها و فرصت‌ها»، به بررسی روند افزایش منطقه‌گرایی آسه آن با سه کشور چین، ژاپن و کره جنوبی می‌پردازد. نویسنده معتقد است: با برطرف شدن بحران مالی ۱۹۹۷، نه تنها همکاری تجاری و اقتصادی؛ بلکه همکاری سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بین طرفین گسترش یافته است. الهه کولایی و بهاره سازماند (۱۳۹۰) در مقاله «همگرایی منطقه‌ای در آسیا: تحلیل تطبیقی اکو و آسه آن»، به بررسی علل رشد همگرایی بیشتر آسه آن و در مراحل ابتدایی ماندن اکو می‌پردازند. نویسندگان معتقدند: شکل‌گیری دو نهاد حاصل «منطق پیامد» و اما به واسطه سه «منطق تناسب» یعنی هنجارهای جامعه بین‌المللی (منطق لاک)، هنجارهای جامعه امنیتی (منطق کانتی) و هنجارهای منطقه‌ای (هنجارهای رویه‌ای) در میان کشورهای آسه آن درونی شده و این مورد در اکو اتفاق نیفتاده است. ابراهیم متقی و امیررضا احمدی خوی (۱۳۹۴) در مقاله «منطقه‌گرایی تطبیقی، همگرایی اقتصادی و استقرار امنیت؛ مطالعه موردی: سازمان کنفرانس اسلامی و آسه آن» به مقایسه همکاری‌های منطقه‌ای و پیشرفت در موضوعات اقتصادی و سیاسی دو سازمان منطقه‌ای فوق‌الذکر می‌پردازند. آنها معتقدند چشم‌انداز اقتصادی دو سازمان کنفرانس اسلامی و آسه آن روشن‌تر از حوزه سیاسی است و آینده آن وابسته به سازش بین مسائل برجسته سیاسی میان بازیگران اصلی این دو سازمان است.

کی کی وریکو<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) در کتاب *آینده همگرایی اقتصادی آسه آن* ابعاد مختلف همگرایی اقتصادی آسه آن از جمله: شکل‌گیری آسه آن، منطقه آزاد تجاری، اجتماع اقتصادی آسه آن و آینده مناسبات آسه آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی سرمایه-گذاری مستقیم خارجی و همچنین تجارت درون منطقه‌ای را یکی از ارکان اصلی افزایش همگرایی منطقه‌ای می‌داند.

کریستوفر رابرت<sup>۲</sup> در کتاب *منطقه‌گرایی آسه آن: همکاری، ارزش‌ها و نهادینه‌سازی* (۲۰۱۴) به بررسی منطقه‌گرایی آسه آن می‌پردازد و معتقد است: آسه آن در بهترین حالت یک رژیم اقتصادی و امنیتی محدود است که همگرایی پیچیده آن بسیار ناچیز است و در آن کشورهای عضو به‌دنبال دستاورد نسبی هستند؛ به نحوی که این امر به زیان سود مطلق منطقه‌ای است. نقطه قوت این اثر توانایی نویسنده در تحلیل همگرایی آسه آن به‌لحاظ تاریخی است.

سانچیتا بسو داس<sup>۳</sup> در کتاب *اجتماع اقتصادی آسه آن و فراتر از آن: افسانه و واقعیت* به بررسی همگرایی منطقه‌ای آسه آن و ارتباط آن با طرح‌های ارائه شده توسط رقبا مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌پردازد. وی معتقد است به‌دنبال سیاست منطقه‌گرایی باز، آسه آن موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد را با برخی کشورها امضا کرده است. بسو داس، ایالات متحده و چین را دو رقیب بزرگ می‌داند که به‌دنبال اثرگذاری بر کشورهای آسه آن در راستای منافع خود هستند و این امر در سال‌های اخیر تشدید شده است.

سانچیتا بسو داس، راهول سن و شادانا شریواستاوا<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) در مقاله «اتحادیه گمرکی محدود (ناقص) آسه آن در پسا ۲۰۱۵؟» امکان حرکت از اجتماع اقتصادی آسه آن به سمت گام بعدی در همگرایی و ادغام اقتصادی یعنی اتحادیه گمرکی آسه آن را در دوره پسا ۲۰۱۵ مورد بررسی قرار می‌دهند. نویسندگان معتقدند راه همگرایی بیشتر، ایجاد اتحادیه گمرکی آسه آن میان ۹ عضو این نهاد است با این استثنا که سنگاپور تعرفه‌های صفر موجود خود نسبت به اعضای خارج از آسه آن را حفظ کند و در نتیجه اتحادیه گمرکی محدود (ناقص) آسه آن ایجاد شود.

1. Kiki Verico
2. Christopher B. Roberts
3. Sanchita Basu Das
4. Sanchita Basu Das; Rahul Sen & Sadhana Srivastava

مایکل پلامر<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) در مقاله «اتحادیه گمرکی آسه آن؟» به مسائل سیاسی و اقتصادی مرتبط با ایجاد اتحادیه گمرکی آسه آن می‌پردازد. نویسنده موفقیت آسه آن در ایجاد اجتماع اقتصادی آسه آن و بازار مشترک را در تشکیل اتحادیه گمرکی می‌بیند و معتقد است: «مزایای بالقوه اتحادیه گمرکی آسه آن در مقایسه با منطقه آزاد تجاری آسه آن بالا است و این امر نشان می‌دهد منطقه در وحدت بخشیدن به سیاست‌های تجاری در میان دولت‌های ناهمگن در قالب رژیم لیبرال و بیرون‌گرا موفق عمل کرده است.»

ادبیات پژوهش مذکور که در حیطه موضوعی مقاله حاضر نیز نگاشته شده‌اند را می‌توان به چهار دسته متمایز تقسیم بندی کرد: دسته اول به آسه آن و ارتباطات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌پردازد که شامل: کتاب کریستوفر رابرت «منطقه‌گرایی آسه آن: همکاری، ارزش‌ها و نهادینه‌سازی (۲۰۱۴)»، کتاب سانچیتا بسو داس «اجتماع اقتصادی آسه آن و فراتر از آن: افسانه و واقعیت» و مقاله بهاره سازمند «منطقه‌گرایی اقتصادی در شرق آسیا: آسه آن +۳؛ چالش‌ها و فرصت‌ها»، که به ارتباطات منطقه‌ای این سازمان با کشورهای همجوار و قدرت‌های جهانی می‌پردازد. موضوع اصلی نویسندگان، نوع تعامل سازمان آسه آن با کشورهای دیگر است.

دسته دوم به علل پایداری و ریشه‌یابی چرایی همگرایی میان کشورهای عضو آسه آن می‌پردازد که شامل: مقاله بهاره سازمند «بررسی همگرایی اقتصادی در میان اعضای آسه آن از منظر بین حکومت‌گرایی»، کی‌کی وریکو در کتاب «آینده همگرایی اقتصادی آسه آن» و بهاره سازمند در کتاب «منطقه‌گرایی و هویت مشترک در جنوب شرقی آسیا» است که نویسندگان بدنبال شناسایی علل ماندگاری و توسعه همگرایی و همکاری میان اعضای آسه آن هستند.

دسته سوم تحقیقات، به‌صورت مقایسه‌ای این سازمان را با برخی از سازمان‌های بین‌المللی همچون اکو، سارک و سازمان کنفرانس اسلامی مقایسه کرده و دلایل موفقیت آسه آن و چرایی عدم موفقیت سازمان‌های دیگر را به‌صورت آسیب‌شناسانه مورد بررسی قرار داده است. از جمله این تحقیقات می‌توان به مقاله الهه کولایی و بهاره سازمند «همگرایی منطقه‌ای در آسیا: تحلیل تطبیقی اکو و آسه آن»، ابراهیم متقی و امیررضا احمدی خوی در مقاله «منطقه‌گرایی تطبیقی، همگرایی اقتصادی و استقرار

---

1. Michael G. Plummer

امنیت؛ مطالعه موردی: سازمان کنفرانس اسلامی و آسه آن» و علی امیدی در کتاب «منطقه‌گرایی در آسیا: نگاهی به سازمان‌های آسه آن، سارک و اکو» اشاره کرد. روش پژوهش نویسندگان مذکور مقایسه‌ای است که با مقایسه آسه آن و برخی سازمان‌های دیگر به دنبال نشان دادن علل موفقیت و یا دلایل عدم موفقیت این سازمان‌ها و تشابهات و اختلافات میان آن‌ها هستند.

دسته چهارم مستندات علمی مورد بررسی، به اقدامات این سازمان در راستای همگرایی بیشتر اعضا می‌پردازد که شامل: تشکیل بازار مشترک و اتحادیه گمرکی است. سانچیتا بسو داس، راهول سن و شادانا شریواستاوا در مقاله «اتحادیه گمرکی محدود (ناقص) آسه آن در پسا ۲۰۱۵» و مایکل پلامر در مقاله «اتحادیه گمرکی آسه آن» از جمله این آثار هستند.

همان گونه که پیشینه پژوهش نشان می‌دهد، آثار موجود از نظر موضوع و مسئله پژوهش با این مقاله متفاوت بوده و مقاله حاضر در ارتباط با آسیب شناسی چرایی موانع همگرایی سازمان منطقه‌ای آسه آن است و موضوعات جدیدی را در ارتباط با چرایی عدم گذار موفقیت‌آمیز به یک سازمان همگرا (همگرایی کامل منطقه‌ای) مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. در همین راستا این پژوهش گام جدیدی در ارتباط با بررسی آسیب شناسانه در نوع همگرایی این سازمان است که در مستندات علمی پیشین مورد توجه قرار نگرفته و جنبه نوآوری این مقاله می‌باشد. بر همین اساس آسه آن به‌عنوان نهاد و سازمانی روبه‌رشد، تحولات زیادی را از چند سال پیش پشت سر گذاشته که مد نظر قرار گرفته است. به‌عنوان مثال: آسه آن در سال ۲۰۱۵ چشم‌انداز یک دهه خود را برای رسیدن به بازار مشترک (همگرایی اقتصادی بیشتر) منتشر کرد. بنابراین روند همگرایی اقتصادی آسه آن در قالب اقتصاد سیاسی که هدف مقاله حاضر است با در نظر گرفتن کاستی‌های علمی موجود، مد نظر قرار خواهد گرفت.

### ۳- چارچوب مفهومی

همگرایی منطقه‌ای یکی از جنبه‌های اقتصاد بین‌الملل است که اهمیت آن برای بیش از چهار دهه در حال افزایش است. در ۱۹۵۰، این واژه تعریف خاصی را از جانب اقتصاددانان برای تخصصی کردن تجارت بین‌الملل گرفت؛ این تعریف نشان‌دهنده امور یا فرآیندهایی بود که تبدیل اقتصادهایی مجزا به مناطق آزاد تجاری بزرگ‌تر را شامل می‌شد و به‌نحوی این واژه، معنی محدودتری از کاربرد امروزی آن داشت. اگرچه باید گفت که



اقتصاددانان ناآشنا با این شاخه از اقتصاد بین‌الملل، از این واژه برای افزایش وابستگی - متقابل اقتصادی بین کشورها استفاده می‌کردند. همگرایی منطقه‌ای مربوط به حذف تمام موانع تجاری بین حداقل ۲ کشور مشارکت‌کننده، با ایجاد عناصر معین همکاری و هماهنگی بین خود است (El-Agraa. 2007: 1). کلمه لاتین «integer» عملاً به معنی ترکیب بخش‌های مجزا به یک کل واحد است. وجود همگرایی در حوزه اقتصادی معمولاً به معنای گسترش فرآیندی است که در آن روابط نزدیک‌تری بین واحدهای جغرافیایی همراه با افزایش میزان ویژگی‌های مشابه متصور است. فرهنگ لغت‌های اقتصادی، همگرایی را به‌عنوان روابط متقابل کیفی، در هم آمیختگی اقتصادهای ملی و تشکیل فضای اقتصادی تا حدودی خاص تعریف می‌کنند (Lvova. 2003: 13). بسط کلمه منطقه «region» به منطقه‌گرایی، نسبتاً سیال است، زیرا روش دقیقی برای تشخیص یک گروه از دولت‌ها از دیگران به‌وسیله جغرافیا، فرهنگ، تاریخ، اقتصاد و دیگر حوزه‌ها وجود ندارد. ظاهراً، تنها روش برای غلبه بر این موضوع، این است که خطی در اطراف آن‌ها روی نقشه کشید و اعضای گروه از این راه خود را در یک یا چند حوزه با یکدیگر پیوند یافته بدانند (Armstrong et al. 2004: 212). با وجود تفاوت دیدگاه محققان در مورد عناصر و معیارهای تشکیل‌دهنده منطقه، به‌نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین معیارها در تقسیم‌بندی مناطق، جغرافیا یعنی محل قرارگیری کشورها باشد که آن‌ها را با مرز از دیگر مناطق جدا می‌کند و در مراحل بعدی، اشتراک فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارای اهمیت هستند. چه بسا کشورهایی که از نظر سیاسی متفاوتند، اما در یک منطقه قرار گرفته‌اند و در مقابل این وضعیت، کشورهایی نیز هستند که با فاصله جغرافیایی بسیار زیاد، اما مشابهت‌های بسیاری با یکدیگر دارند (سازمند و رضانی، ۱۳۹۷: ۵۷).

به سادگی نمی‌توان تعریف دقیقی در مورد همگرایی منطقه‌ای تنظیم کرد. این واژه به معنی وحدت دولت-ملتها در یک کل وسیع‌تر است. از یک طرف، همگرایی منطقه‌ای می‌تواند به فرآیند نیرومندی اشاره داشته باشد که تمایل یک کشور برای شرکت یا اتحاد در یک واحد بزرگ‌تر است. میزان شرکت کشورها و آنچه آن‌ها به اشتراک می‌گذارند، سطح همگرایی را مشخص می‌کند. از طرف دیگر، همگرایی منطقه‌ای به نتیجه اشاره دارد که به معیارهای از پیش تعیین‌شده تلاقی می‌شوند. برخی از دستاوردهای همگرایی منطقه‌ای بدین شرح است: ۱- نهادسازی و تحکیم که نهادها برای تسهیل حکومت خوب طراحی شده‌اند. همچنین با هدف به‌دست‌آوردن سود بیشتر از طریق: افزایش تعهد به هماهنگی و همگرایی، حفاظت از یکپارچگی منطقه، کاهش هزینه‌های

مبادله و استفاده موثر از منابع کمیاب بشری؛ ۲- هماهنگی سیاست اقتصادی و اجتماعی، توسعه اقتصادی و اجتماعی برای تمامی اعضا الزامی است؛ ۳- هماهنگی در روابط خارجی (Gebru. 2016: 2). مفهوم همگرایی منطقه‌ای در واقعیت، اغلب همکاری نزدیک‌تر بین دولت‌های حاکم است نه به معنای انتقال حاکمیت. واژه همگرایی (ادغام) به معنی ترکیب اجزا در یک کل است؛ اما وقتی به صورت خاص به کار می‌رود معنی آن دچار ابهام می‌شود. علیرغم تلاش‌هایی مکرر جهت توضیح همگرایی منطقه‌ای به‌عنوان مثال: توسط لیندبرگ و اسکین گولد، متلی و والا، تعریف مشترکی وجود ندارد و این امر مقایسه آنچه برای همگرایی آسیا، همگرایی آمریکای لاتین با آنچه در آفریقا و اروپا اتفاق می‌افتد را مشکل می‌سازد. ارنست‌هاس بنیان‌گذار نئوکارکردگرایی، همگرایی- منطقه‌ای در وجه سیاسی را اینگونه تعریف می‌کند: فرآیندی که در آن بازیگران سیاسی در محیط‌های ملی متفاوت متقاعد می‌شوند وفاداری‌ها، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی خود را به مرکز جدیدی منتقل کنند، نتیجه نهایی؛ اجتماع سیاسی جدیدی است که بر فراز اجتماع قبلی قرار می‌گیرد (Dosenrode. 2015: 3).

همگرایی منطقه‌ای به فرآیندی اشاره دارد که در آن دولت‌ها دور هم جمع می‌شوند تا موافقت‌نامه‌هایی را برای همکاری در حوزه‌های خاص و مشترک امضا کنند (Gathi. 2009:5). لازم است ابتدا بین همگرایی و همکاری تفاوت صریحی قائل شویم. هدف اصلی فرآیند همگرایی، حذف تبعیض بین تولیدات، خدمات، عوامل تولیدی داخل و خارج کشورهای عضو و حفظ حمایت‌گرایی در مقابل جهان سوم است. فرآیند همگرایی حداقل چهار مرحله دارد و شامل منطقه آزاد تجاری، اتحادیه گمرکی، بازار مشترک، و اتحادیه اقتصادی سیاسی می‌شود. فرآیند همگرایی عموماً از منطقه آزاد تجاری آغاز و به اتحادیه اقتصادی و سیاسی ختم می‌شود. در منطقه آزاد تجاری کشورهای عضو موانع تجارت کالا و خدمات بین خود را حذف و سیاست‌های تعرفه‌ای خود در مقابل کشورهای جهان سوم (و کشورهای خارج از موافقت‌نامه) را حفظ می‌کنند. اتحادیه گمرکی از ترکیب منطقه آزاد تجاری با ایجاد تعرفه خارجی مشترک به وجود می‌آید، پس تجارت درون منطقه‌ای به علاوه تعرفه خارجی مشترک، اتحادیه گمرکی را تشکیل می‌دهد. بازار مشترک زمانی محقق می‌شود که چرخه عوامل تولید آزاد شود و سرمایه، نیروی کار و کارآفرینی و سرمایه‌گذاری آزادانه بین کشورهای عضو در جریان باشد. اتحادیه اقتصادی نیز دو مرحله را دربر می‌گیرد؛ اتحادیه اقتصادی-سیاسی کامل توسط وحدت کلی پولی، اجتماعی و سیاست‌های مالی شناخته می‌شود. این موجودیت مافوق ملی، تصمیمات

خود را محدود به نظارت اتحادیه می‌کند. به صورت کلی در اتحادیه سیاسی و اقتصادی کشورهای عضو یکی می‌شوند. اقتدار اتحادیه نیز توسط پارلمان مرکزی کنترل می‌شود. قابل ذکر است که هیچ سازمان منطقه‌ای تاکنون به مرحله اتحادیه اقتصادی و سیاسی (کامل) نرسیده است (2: Langhammer & Hiemenz, 1990). همکاری خیلی محدودتر از همگرایی است. هر توافقی با هدف کاهش انواع مختلف موانع در هر حوزه‌ای با منافع مشترک، شکلی از همکاری اقتصادی است. همکاری منطقه‌ای به عمل و فرآیندی گفته می‌شود که کشورهای مختلف بدون تقسیم و یا واگذاری حاکمیت خود رفتار خود را تنظیم می‌کنند، اما در همگرایی منطقه‌ای، کشورها به تدریج حاکمیت خود را به ساختار فراملی جدیدی انتقال می‌دهند [تا بتوانند به سمت یکپارچگی حرکت کنند]. به همین دلیل همکاری از همگرایی محدودتر است (138: Dieter, 2002). همگرایی منطقه‌ای ساختگی بوده و ممکن است باز ایستد مانند اتحادیه آفریقا، حتی ممکن است به عقب برگردد همانند اتحاد جماهیر شوروی و قلمرو دانمارک، و حتی ممکن است تجزیه شود مانند یوگسلاوی، چک اسلواکی، و فدراسیون هند غربی (241: Dosenrode, 2015). اولین تلاش رسمی در منطقه‌گرایی یا همگرایی منطقه‌ای در سطح جهانی در اروپا و تحت عنوان اتحادیه اروپا قابل مشاهده است. مدل اتحادیه اروپا جهت پیوند دادن به عناصر سیاسی در همگرایی اقتصادی، سازمان دهی شد (1: Ohmae, 1996).

همگرایی منطقه‌ای می‌تواند اشکال مختلفی را دربر گیرد و بسیاری از آن‌ها در واقع عملی شده است. در متون و مطالب مربوط به اقتصاد همگرایی منطقه‌ای نویسندگان اشکال همگرایی منطقه‌ای را اکثراً به پنج (و یا شش) مورد غالب از همگرایی منطقه‌ای اشاره کرده‌اند؛ به عنوان مثال اولین بار بالاسا به پنج شکل [مرحله] از همگرایی اقتصادی اشاره کرد که شامل منطقه آزاد تجاری، اتحادیه گمرکی، بازار مشترک، اتحادیه اقتصادی و اتحادیه اقتصادی کامل و یکپارچه (1: Balassa, 1961). برخی از نویسندگان موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی را نیز جزو اشکال و یا مراحل همگرایی اقتصادی می‌دانند (Aswathappa, 2010: 408; Bitzenis, 2009: 155; Frankel, 1997; park & Goh, 1998: 144)، مانند آنچه در روابط کشورهای آفریقا، کارائیب و اقیانوسیه با اروپا برپایه موافقت‌نامه لوم ۱ مشاهده می‌شود که بیشتر در حوزه کشاورزی است (Aswathappa, 2010: 408) برخی دیگر از محققان، شش مرحله و شکل برای همگرایی اقتصادی/منطقه‌ای متصور می‌شوند که بعد از سه مرحله اول منطقه آزاد تجاری، اتحادیه گمرکی و بازار مشترک،

1. Lome agreement (convention)

سه مرحله پایانی همگرایی را شامل اتحادیه اقتصادی، اتحادیه پولی و اتحادیه سیاسی می‌دانند و میزان ادغام آن‌ها به ترتیب موارد ذکر شده افزایش می‌یابد، تا به اتحاد و یکپارچگی کامل می‌رسد (Drik. 2015: 157). اسمیت نیز به پنج نوع همگرایی منطقه‌ای اشاره کرده است، با این تفاوت که دو مرحله پایانی را یکی می‌داند؛ یعنی اتحادیه‌های-کامل سیاسی و اقتصادی را آخرین مرحله همگرایی اقتصادی در نظر می‌گیرد و تجارت آزاد ترجیحی را نیز به چهار نوع دیگر می‌افزاید و معتقد است: در این نوع همگرایی، کاهش تعرفه یا تجارت آزاد بر روی کالاهای خاصی صورت می‌گیرد و تفاوت آن با منطقه آزاد تجاری در این است که در منطقه آزاد تجاری، آزادسازی تجاری کالا به صورت کامل انجام می‌گیرد (Smeets. 1996: 60). ما در اینجا به پنج شکل اصلی همگرایی-اقتصادی/منطقه‌ای اشاره خواهیم کرد. اشکال و مراحل مختلف همگرایی اقتصادی، شامل موارد زیر است:

منطقه آزاد تجاری، در این سطح از همگرایی منطقه‌ای کشورهای عضو، تمام موانع تجاری میان خود را حذف؛ اما آزادی خود در تعیین سیاست در مقابل جهان خارج را حفظ می‌کنند (El-Agraa. 1999: 14). مانند منطقه آزاد تجاری چین و اعضای آسه آن، منطقه آزاد تجاری ژاپن و آسه آن، منطقه آزاد تجاری آسه آن-استرالیا-نیوزیلند، منطقه-آزاد تجاری جنوب آسیا، موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی، منطقه آزاد تجاری عرب و چندین مورد دیگر.

دومین مورد تحت عنوان اتحادیه گمرکی بوده و خیلی شبیه منطقه آزاد تجاری است که در قالب آن کشورهای عضو باید روابط تجارت خارجی مشترکی را اجرا و دنبال کنند، برای مثال: کشورها باید تعرفه‌های خارجی مشترکی را بر واردات از کشورهای غیر عضو وضع کنند (El-Agraa. 1999: 14)، مانند: اتحادیه گمرکی اوراسیا، شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه گمرکی جنوب آفریقا<sup>۱</sup>. سومین نوع از همگرایی اقتصادی، بازار مشترک است که ویژگی‌های یک اتحادیه گمرکی را بعلاوه آزادی کامل نقل و انتقال افراد و سرمایه درون منطقه ادغام شده دارا است (Peters-Berries. 2010: 33)، همچنین عامل دیگر، تحرک و پویایی آزاد در سراسر مرزهای ملی اعضا است، مانند اینکه سرمایه، نیروی کار، فناوری، کسب و کار و سرمایه‌گذاری باید بدون مانع بین کشورهای مشارکت‌کننده جریان داشته باشد (EL-Agraa. 1999: 1). در این مرحله از همگرایی-

---

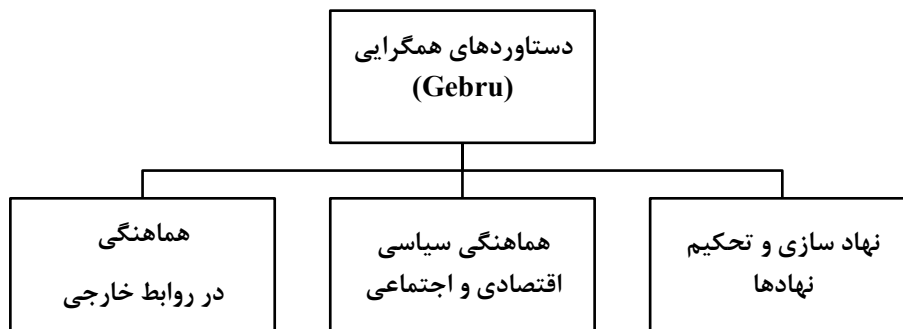
1. Southern African Customs Union (SACU)

اقتصادی، کشورها تمام موانع را حذف و اجازه انتقال آزادانه عوامل تولید، شامل سرمایه و نیروی انسانی را میان خود برقرار می‌سازند؛ اما موانع تجاری و سیاست تجاری مشترک نسبت به اعضای غیر عضو را تحکیم می‌بخشند. کشورها همچنین در بازار مشترک ممکن است به صورت بلوکی واحد با سازمان‌های فرامنطقه‌ای؛ مانند سازمان تجارت جهانی یا دیگر بلوک‌های تجاری منطقه‌ای، همانند اتحادیه اروپا مذاکره کنند؛ زیرا بازار مشترک به حداقل همکاری در اقتصاد (پولی و مالی) و سیاست‌های کاری نیازمند است. دستیابی به این مرحله از همگرایی منطقه‌ای بیشتر اوقات کاری مشکل است. با وجود این، سود انفرادی کشورها می‌تواند نابرابر باشد، زیرا نیروی کار ماهر ممکن است به کشورهایی که مزد بالاتری دارند بروند و سرمایه‌گذاری ممکن است به جاهایی جریان پیدا کند که سود از هزینه آن بیشتر باشد. در نتیجه این فرآیند؛ توسعه‌ای نابرابر شکل می‌گیرد. با این وجود، سیاست‌های هدفمند و کارآمد، توسط اعضای اتحادیه می‌تواند این ناهنجاری‌ها را از بین ببرد. اجتماع آفریقای شرقی در این سطح از همگرایی منطقه‌ای قرار دارد که از ژوئن سال ۲۰۱۰، اعضای آن پروتکل بازار مشترک را برای اجرای کامل در طول پنج سال پیش‌رو امضا کردند (Gekonge. 2014: 87).

اتحادیه [پولی و] اقتصادی، به‌عنوان چهارمین شکل از همگرایی اقتصادی/منطقه‌ای شناخته می‌شود؛ در این مورد که ترکیبی از بازار مشترک بعلاوه یکپارچگی کامل سیاست پولی و مالی است، مشارکت‌کنندگان باید قوه مرکزی‌ای را در راستای نظارت و کنترل بر این موضوعات ایجاد کنند که به واسطه آن، کشورهای عضو منطقه به صورت یک ملت درآیند. برای مثال می‌توان به ۱۹ عضو اتحادیه اروپا اشاره کرد که ارزی واحد را به‌عنوان واحد پولی خود پذیرفته‌اند. در اتحادیه‌های کامل اقتصادی [و سیاسی] کشورهای مشارکت‌کننده عملاً متحد می‌شوند. قوه مرکزی مورد نیاز در اتحادیه کامل-اقتصادی باید با پارلمان و نهادهای مورد نیاز مشترک دیگر، جهت حفظ حاکمیت یک دولت هم‌راستا شوند. مانند آنچه در سال ۱۹۹۰ بین دو آلمان اتفاق افتاد و آلمان شرقی و غربی یکی شدند (El-Agraa. 2007: 2). برخی از نویسندگان موارد بیشتر در این مورد را پادشاهی متحده (انگلستان) و ایالات متحده آمریکا ذکر می‌کنند (Bitzenis. 2009: 155-156). متون مختلف، سطوح متفاوتی از همگرایی منطقه‌ای را ذکر کرده‌اند؛ اما آنچه به‌عنوان تعریفی عمومی و غالب بین متفکران اقتصاد سیاسی پذیرفته شده پنج سطح و شکل از همگرایی منطقه‌ای است. آنچه در اینجا به‌عنوان چارچوب مفهومی ذکر آن رفت، ویژگی-

های سطوح عموماً پذیرفته شده همگرایی منطقه‌ای بود که الزامات سوال اصلی و فرضیه مقاله حاضر ایجاب می‌کرد مورد تشریح قرار گیرند. هدف از تطبیق و مقایسه مفاهیم هر پنج سطح از همگرایی منطقه‌ای، درک بهتر هر کدام از مفاهیم مذکور و پاسخ‌دهی به سوال اصلی (آزمون فرضیه) است. این امر زمینه مرتفع‌سازی هرگونه ابهام نسبت به ویژگی‌های سطوح مزبور که در متن مورد استعمال قرار خواهد گرفت را فراهم خواهد ساخت.

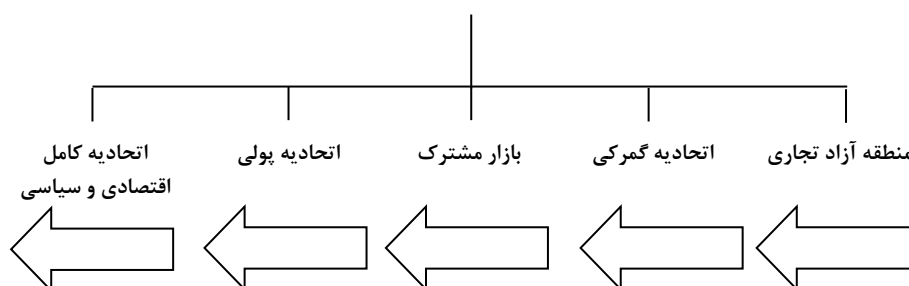
بر همین اساس، مراحل و مولفه‌های موثر بر همگرایی و گذار از همکاری به همگرایی کامل منطقه‌ای را می‌توان طبق مدل مفهومی مولف ساختار یافته نمود که در دو شکل زیر سازمان‌دهی شده است.



### مدل مفهومی پژوهش

بدیهی است فقدان چنین دستاوردهایی ناشی از عدم همگرایی در یک منطقه جغرافیایی است. به عبارت دیگر بر اساس نظریه گبرو، هرگاه همگرایی اقتصادی منطقه‌ای موفق عمل کند، منجر به چنین دستاوردهایی خواهد شد. همچنین تحقیقات دریک و بالاسا مراحل همگرایی و گذار از منطقه آزاد تجاری به اتحادیه کامل اقتصادی و سیاسی را مورد تایید قرار می‌دهند.

### مراحل همگرایی کامل (Ballassa- Drik)



همان گونه که نمودار نشان می‌دهد، مراحل همگرایی اقتصادی منطقه‌ای از منطقه آزاد تجاری شروع شده و به اتحادیه کامل اقتصادی و سیاسی منجر می‌شود. بدیهی است با بهره‌گیری از مدل مفهومی فوق، می‌توان چگونگی نحوه گذار اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا به اتحادیه کامل اقتصادی را بررسی نمود.

#### ۴- روند همگرایی اقتصادی آسه آن

رشد همکاری منطقه‌ای به‌عنوان یکی از دگرگونی‌های اساسی در روابط بین‌الملل شناخته شده است. این روند «درحال حاضر، یکی از ویژگی‌های تصدیق‌شده صحنه بین‌الملل بوده و اهمیت بالایی پیدا کرده است.» (Palmer and Haokip. 2012: 378; Perkins. 1953: 597). تعداد موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای در چند دهه اخیر رشد و گسترش فزاینده‌ای را نشان می‌دهد. یکی از نیروهای محرک برجسته، موفقیت اتحادیه اروپا و جلب توجه کشورها جهت توسعه روابط خود با دیگر کشورها در راستای کسب سود اقتصادی است. به‌صورت کلی، همگرایی منطقه‌ای الزاماتی را برای اشکال جدید همکاری منطقه‌ای به‌وجود آورده است. علاوه‌براین، ساختارهای جدیدتر همگرایی منطقه‌ای از لحاظ دامنه، عمق و پیچیدگی، همانگونه که محققان زیادی توجه خود را به شیوه تفکر جدیدی متمرکز کرده‌اند، درحال‌رشد است (Ethier. 1998: 1149).

همگرایی اقتصادی درون منطقه‌ای از دهه ۱۹۸۰ تا اوایل دهه ۲۰۰۰ رشد قابل ملاحظه‌ای را ثبت کرده است. در حالی که تجارت درون منطقه‌ای اتحادیه اروپا (۱۵ کشور از ۵۲/۵ درصد به ۶۴/۴ درصد و موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) از ۳۳/۸ به ۴۶ درصد افزایش یافته، این آمار برای منطقه شرق آسیا از ۳۴/۷ به ۵۴ درصد

و برای آسه آن از ۱۸ به ۲۴ درصد بوده است (Kawai, 2005: 31). حجم تجارت درون منطقه‌ای شرق آسیا نیز در طول بیش از یک دهه تا سال ۲۰۱۶ افزایش یافته و به ۶۰ درصد نزدیک شده است (ADB, 2017: 16). متن اعلامیه بانکوک نشان می‌دهد که سه هدف عمده از شکل‌گیری آسه آن عبارت بودند از: ترویج و تسهیل توسعه اقتصادی درون منطقه‌ای، ترویج و گسترش پیشرفت فرهنگی و اجتماعی و تضمین صلح و ثبات در منطقه. بنابراین یکی از اهداف تاسیس آسه آن علاوه بر تضمین صلح و ثبات منطقه-ای و مقابله با تهدید کمونیسم، تلاش برای دستیابی به همکاری و توسعه اقتصادی درون منطقه‌ای بود و دولت‌های مؤسس به‌منظور کسب برخی منافع از جمله همین هدف دستیابی به همگرایی اقتصادی، دست به تشکیل این سازمان زدند؛ اما برای تقریباً یک دهه این اهداف عملی و اجرایی نشدند و در مرحله اعلانی باقی ماندند. بالاخره در سال ۱۹۷۶ با خروج آمریکا از منطقه هندوچین و برگزاری اجلاس سران آسه آن در بالی اندونزی، کم‌کم اجرای اهداف آسه آن از سر گرفته شد. در مورد میزان همگرایی اقتصادی درون نهاد آسه آن باید گفت که از همان سال ۱۹۷۶، سه طرح اقتصادی تعریف شد که دو مورد آن صنعتی بود و سومی هم برای تسهیل تجارت طراحی و تدوین شد. دو طرح صنعتی با مشکلاتی مواجه شدند؛ اما سومی که موافقت‌نامه تجارت ترجیحی بود، اجرایی شد و عملکرد بهتری داشت (سازمند، ۱۳۸۶: ۵۰۱-۵۰۲).

کشورهای آسه آن بعد از تشکیل اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا در سال ۱۹۶۷، به سمت افزایش همکاری‌های درون منطقه‌ای حرکت کردند. با پشت سر گذراندن تاریخ و تجربه‌های پر پیچ و خم، به تدریج رهبران منطقه‌ای به این نتیجه رسیدند که همکاری و تعامل منطقه‌ای را در صدر اولویت‌های خود قرار دهند و تمام توان خود را در راستای کسب استقلال هرچه بیشتر از جهان خارج در پیش گیرند. آسه آن به‌عنوان نهادی تازه تاسیس به‌دنبال تحکیم و تقویت پایه‌های خود بود و این امر در پی توافقات اعضا مبنی بر ادغام و یکپارچگی فزاینده پیوسته دنبال می‌شد (Bhalla & Bhalla, 1997: 69; Corfield, 2011: 28). جرقه‌های منطقه آزاد تجاری آسه آن در سال ۱۹۹۲ ایجاد شد. اعضای آسه آن فرآیند موافقت‌نامه منطقه آزاد تجاری را برای رقابتی ساختن منطقه در صادرات و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، در سال ۱۹۹۲ آغاز کردند. این موافقت‌نامه برای آزادسازی اقدامات تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در قالب تعرفه‌های ترجیحی مشترک ارائه شد. دستیابی به آزادسازی تعرفه و غیرتعرفه‌ای تا سال ۲۰۰۸ پیش بینی شده بود که بعدها به سال ۲۰۰۲ کاهش یافت. موافقت‌نامه منطقه آزاد تجاری آسه آن



در سال ۲۰۰۲ بین شش عضو اصلی آسه آن یعنی برونئی، مالزی، اندونزی، سنگاپور، فیلیپین و تایلند اجرایی شد و تعرفه به ۰ تا ۵ درصد کاهش یافت. قرار شد ویتنام با استانداردهای مشابهی در سال ۲۰۰۳، لائوس و میانمار در ۲۰۰۵ و کامبوج در سال ۲۰۰۷ مشمول تعرفه‌های این چنینی شوند. در سال ۲۰۱۰ شش عضو اصلی آسه آن، منطقه آزاد تجاری کامل را ایجاد کردند و برای چهار عضو جدیدتر آسه آن بازه زمانی دیگری را مشخص کردند. علاوه بر موافقت‌نامه درون منطقه‌ای، کشورهای عضو آسه آن به‌صورت منفرد نقش فعالی را در زمینه شکل‌دهی به مناطق آزاد تجاری دوجانبه با کشورهای مختلف از جمله ژاپن، چین، هند، استرالیا، اروپا و ایالات متحده بازی می‌کنند (Findlay & Urata, 2009: XIV-XVI).

تجارت درون منطقه‌ای آسه آن از دهه ۱۹۷۰ (که ۱۲ تا ۱۵ درصد از حجم کل تجارت آسه آن را تشکیل می‌داد) (Hapsari & Mangunsong, 2006: 5) به‌صورت تصاعدی افزایش یافت و حتی تا اواسط دهه ۱۹۹۰، تجارت درون منطقه‌ای به ۲۵ درصد از کل تجارت آسه آن رسید. با وقوع بحران پولی و مالی آسیای شرقی، حجم تجارت درون منطقه‌ای آسه آن از ۲۲/۳ درصد در سال ۱۹۹۶ به ۲۱/۲ درصد در سال ۱۹۹۷ کاهش یافت (Heiduk & Yiping, 2005: 21; Than, 2005: 40) و اما از سال ۱۹۹۸ افزایش این شاخص تا سال ۲۰۰۸ یعنی آغاز بحران اقتصاد جهانی که به مرز ۲۷ درصد رسید، ادامه داشت. در سال بعد از بحران اقتصاد جهانی، تجارت درون منطقه‌ای آسه آن نزدیک به سه درصد کاهش یافت (USITC, 2010: 2-12) و تا سال ۲۰۱۲ در همین محدوده باقی ماند (Basu Das, 2015: 13). در جدول شماره ۱ تجارت درون منطقه‌ای آسه آن از دهه ۱۹۷۰ تا به امروز آورده شده‌است. براساس ارقام ثبت شده از عملکرد اقتصادی درون منطقه‌ای آسه آن، این شاخص در برهه‌های زمانی متفاوت نوساناتی را نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۰۸ پیوسته رشد داشته و بعد از بحران اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸، تجارت درون منطقه‌ای آسه آن نه‌تنها رشد چندانی نکرده؛ بلکه کاهش نیز یافته است.

جدول شماره ۱. تجارت درون منطقه‌ای آسه آن

سال	حجم از کل تجارت (درصد)
۱۹۷۰	۱۲
۱۹۸۰	۱۵/۱
۱۹۹۰	۱۶/۸
۱۹۹۵	۱۹/۸
۱۹۹۷	۲۱/۲
۲۰۰۰	۲۳/۲
۲۰۰۸	۲۶/۸
۲۰۰۹	۲۴/۵
۲۰۱۳	۲۴/۲
۲۰۱۶	۲۳/۱
۲۰۱۷	۲۲/۹

منبع: (ASEAN Secretariat. 2018; Than. 2005: 40)

تجارت کالا بین کشورهای آسه آن نیز اگرچه با نوساناتی، روندی صعودی را طی می‌کند. تجارت درون منطقه‌ای کالا از سال ۲۰۰۰ که نزدیک به ۱۶۰ میلیارد دلار بوده به بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ رسیده است (ASEAN Secretariat. 2013: 17; ASEAN Secretariat. 2017: 13). تجارت خدمات آسه آن نیز یکی دیگر از حوزه‌های همکاری کشورهای منطقه است. تجارت درون منطقه‌ای خدمات از ۸۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۱۰۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ افزایش یافته است. حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی درون منطقه‌ای نیز از ۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۲۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ رسیده است (UNCTAD. 2017: XVII). نهمین نشست آسه آن در اکتبر سال ۲۰۰۳ برگزار شد و رهبران کشورهای منطقه اعلام کردند، قصد دارند سه رکن مشترک بهم پیوسته و نیرومند با عناوین؛ اجتماع امنیتی آسه آن ۱، اجتماع اقتصادی آسه آن ۲ و اجتماع فرهنگی-اجتماعی آسه آن ۳ را تا سال ۲۰۲۰ ایجاد کنند. در ژانویه ۲۰۰۷، سران آسه آن موافقت کردند بازه زمانی را به ۲۰۱۵ کاهش دهند (Huong Dang. 2008: 5). در اواخر دسامبر سال ۲۰۱۵ آسه آن اعلامیه کوالالامپور را امضا کرده و ایجاد بازار مشترکی را میان

1. ASEAN Security Community (ASC)
2. ASEAN Economic Community (AEC)
3. ASEAN Socio-Cultural Community (ASCC)

۱۰ عضو آسه آن کلید زد که بیش از پنج دهه مذاکرات را برای دستیابی به آن پشت سر گذاشته بود. هدف از تشکیل بازار مشترک، تحرک آزادانه اشخاص، اجناس و سرمایه بین کشورهای عضو بیان شده است (Both. 2018: 165).

### جدول شماره ۲. عناصر ساختاری اجتماع اقتصادی آسه آن

اصول اساسی			ارکان
بخش‌های در اولویت ادغام محصولات کشاورزی، مسافرت هوایی، خودرو، قطعات الکترونیکی، ماهگیری، سلامت، تدارکات، محصولات کائوچویی، نساجی، پوشاک، توریسم و محصولات چوبی	آزادی جریان نیروی کار ماهر	آزادی جریان کالا	۱. بازار مشترک و اساس تولید
	آزادی جریان سرمایه گذاری	آزادی جریان خدمات	
	غذا، کشاورزی و جنگلبانی	آزادی جریان سرمایه	
توسعه زیرساختی حمل و نقل، فناوری اطلاعات و ارتباطات، انرژی، معدن، سرمایه گذاری زیرساختی	حفظ و حمایت از مصرف کننده	سیاست رقابتی	۲. منطقه اقتصادی رقابتی
		وضع مالیات	
	حقوق مالکیت معنوی	تجارت الکترونیک	
توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط			۳. توسعه اقتصادی برابر
ابتکار عمل برای ادغام و یکپارچگی آسه آن			۴. ادغام در اقتصاد جهانی
رویکرد واحد و هماهنگ به روابط اقتصادی خارجی (مانند منطقه آزاد تجاری و مشارکت اقتصادی جامع)			
مشارکت فزاینده در شبکه‌های تامین جهانی			

منبع: (ADBI. 2014: 29).

همانطور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌کنید، اجتماع اقتصادی آسه آن ۴ رکن اساسی دارد که بیشتر تمرکز کشورهای عضو این نهاد، مصروف این اهداف می‌شود. در اعلامیه آسه آن که سال ۲۰۱۵ منتشر شد نیز چشم‌انداز یک دهه پیش‌رو تا سال ۲۰۲۵ کاملاً بر یکپارچگی هرچه تمام‌تر کشورهای منطقه تأکید می‌کرد. یکی از اهداف اساسی ذکر شده در اعلامیه آسه آن، تبدیل شدن به بازار مشترک کامل تا سال ۲۰۲۵ است که کشورهای منطقه علی‌رغم تفاوت‌های چشمگیر در سطوح اقتصادی به دنبال دست یافتن به این مهم هستند. اما مشکلی که در این بین خودنمایی می‌کند، افزایش برابر دو حوزه درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای است. کشورهای آسه آن نتوانسته‌اند سهم کشورهای خود از تجارت و سرمایه‌گذاری درون منطقه‌ای را در بیش از یک دهه افزایش قابل ملاحظه‌ای دهند که در ادامه به دلایل این امر خواهیم پرداخت.

### ۵- موانع همگرایی اقتصادی بیشتر آسه آن

کشورهای آسه آن علاوه بر شباهت‌های وجودی که دارند، تفاوت‌های بسیاری را نیز در حوزه‌های گوناگون دارند به‌عنوان مثال از نظر جمعیت با مقایسه دو کشور می‌توان به این مهم پی برد؛ اندونزی در سال ۲۰۱۶ بیش از ۲۵۰ میلیون نفر جمعیت داشته که این شاخص در بروئتی بیش از ۴۲۰ هزار نفر ثبت شده است (ASEAN Secretariat, 2017: 3). آمار مربوط به جمعیت شهرنشین کشورهای منطقه نیز تفاوت چشمگیری را نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که ۱۰۰ درصد جمعیت سنگاپور شهرنشین بوده و تنها ۲۱ درصد جمعیت میانمار شهرنشین است (ASEAN Secretariat, 2017: 7). کشورهای منطقه نیز برای کسب درآمد به راه‌های متفاوت متکی هستند مانند سنگاپور (۰ درصد کشاورزی، ۲۶/۳ صنعت و ۷۳/۷ خدمات) و میانمار (که این شاخص‌ها به ترتیب ۲۷/۵، ۳۰/۹ و ۴۱/۶ درصد) است (ASEAN Secretariat, 2017: 47). غالباً این شاخص نشان دهنده سطح توسعه یافتگی کشورها می‌باشد؛ زیرا روستاییان معمولاً از کمبود امکانات در حوزه‌های مختلف از جمله بهداشت، سواد و آموزش، فقر، درآمد و حمل‌ونقل و موارد گوناگون رنج می‌برند و کشور باید انرژی زیادی برای جبران و تامین نیازهای آن‌ها مصروف دارد.

کشورهای آسه آن توانایی‌های اقتصادی متفاوتی دارند و شکاف بین برخی از آن‌ها بسیار زیاد است که با اشاره به تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه آن‌ها این تفاوت آشکار است. تولید ناخالص داخلی اندونزی یک تریلیون و بروئتی بیش از ۱۲ میلیارد دلار

در سال ۲۰۱۷ بوده است. درآمد سرانه کشورهایی مانند سنگاپور و بروئی به ترتیب ۵۷/۷ و ۲۹/۷ هزار دلار در سال ۲۰۱۷ بود (statista. 2018). علاوه بر تفاوت‌های مذکور، کشورهای منطقه از حکومت‌های پادشاهی و کمونیستی مانند بروئی و ویتنام بسته گرفته تا دموکراسی بزرگی مانند اندونزی در منطقه جنوب شرق آسیا را در خود دارد. تفاوت‌های قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی در آسه آن نیز بسیار زیاد است که این موارد خود احتمال ایجاد تنش را درون این کشورها و حتی بین آن‌ها بیشتر می‌کند. مطالب ذکر شده بخشی از تفاوت‌های کشورهای آسه آن است و بررسی تفاوت‌های آن‌ها خارج از بحث مقاله حاضر است. به همین دلیل به مطالب ذکر شده برای شروع مباحث بعدی قناعت می‌شود و در ادامه به موانع اصلی همگرایی منطقه‌ای آسه آن پرداخته می‌شود.

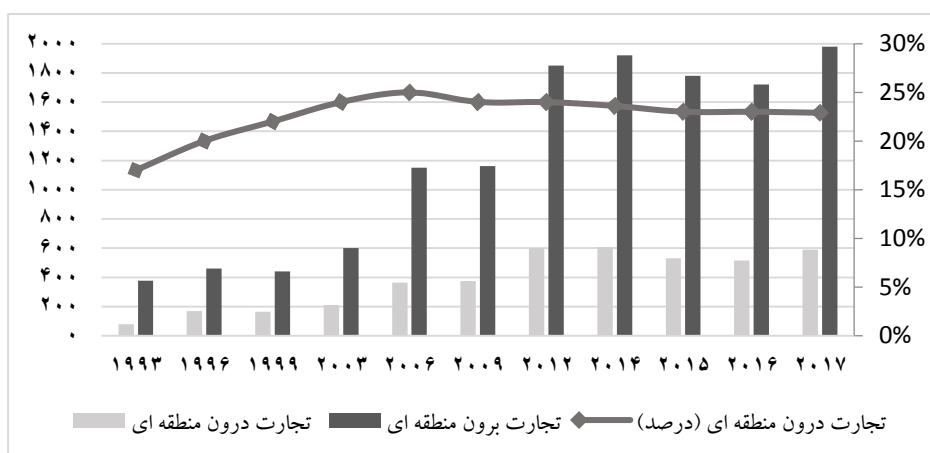
#### ۵-۱- تجارت درون منطقه‌ای اندک

در حال حاضر حجم تجارت بین اعضا این نهاد و سازمان منطقه‌ای برابر با ۲۳ درصد از حجم کل تجارت آسه آن است که در مقابل نهادهای منطقه‌ای دیگر چون اتحادیه اروپا که بیش از ۶۰ درصد و نفتا که بیش از ۵۰ درصد تجارت درون منطقه‌ای دارند، نسبتاً پایین است (Salvatore. 2016: 279). کشورهای عضو آسه آن در تلاش‌اند موانع تجاری بین خود را هرچه بیشتر از میان بردارند تا بتوانند تجارت درون منطقه‌ای را گسترش داده و زمینه دستیابی به بازار مشترک را فراهم سازند؛ اما آسه آن به‌عنوان بازاری مشترک نیازمند تجارت فزون تری بین اعضا خود است.

همانطور که در قسمت قبل اشاره شد، حجم تجارت درون منطقه‌ای ۱۰ کشور آسه آن کمتر از ۲۵ درصد است (ASEAN Secretariat. 2018) و این نهاد منطقه‌ای برای رسیدن به هدف خود باید حجم تجارت درون منطقه‌ای خود را به بیش از ۴۰ درصد افزایش دهد. حفظ بازار مشترک نیز دشوارتر از مرحله اولیه یا ایجاد آن است. مثال بارز این امر، اتحادیه اروپاست که در سال‌های اخیر مشکلات متعددی را به چشم دیده است و از مهمترین آن‌ها می‌توان به احتمال خروج انگلستان از اتحادیه، بحران بدهی یونان و نگرانی‌های موجود بر سر منطقه یورو، جریان فزاینده مهاجران و پناهندگان سوری و افغانی به منطقه، خیزش مجدد روسیه و تهدید تروریسم اشاره کرد (CRS Report. 2017). 7. آسه آن به‌عنوان نهادی منطقه‌ای برای دستیابی به هدف خود که همان بازار مشترک است، باید برنامه‌ریزی‌های دقیق تری انجام دهد و این امر نیازمند همراهی تمام اعضای این نهاد است. تجارت درون منطقه‌ای به این دلیل اهمیت دارد که استقلال رای

نهادهای منطقه‌ای را بیشتر کرده و به آن‌ها آزادی عمل بیشتری در راستای اتخاذ سیاست‌های مورد نظر خود می‌دهد. وابستگی بیش از حد به خارج از منطقه باعث می‌شود در مواقع حساس، کشورهای منطقه نتوانند با موانع موجود قاطعانه برخورد کنند و این امر به نوبه خود منافع آن‌ها را در وضعیت نامناسبی قرار می‌دهد.

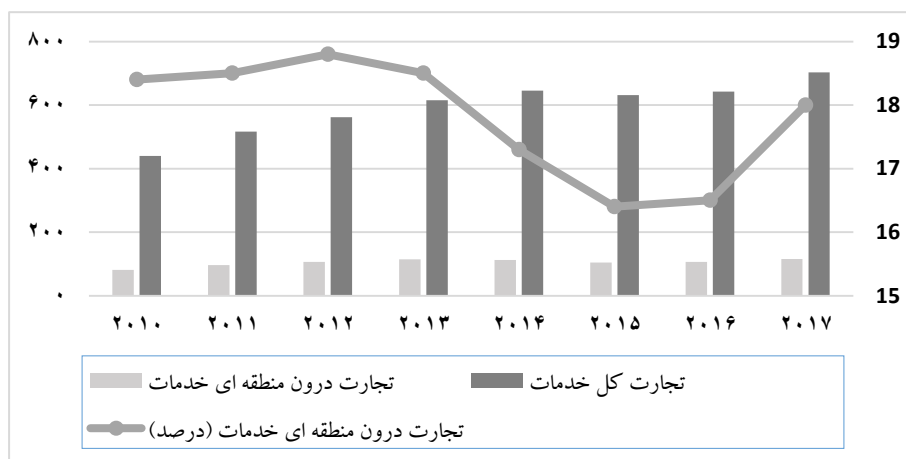
#### نمودار شماره ۱. تجارت درون و برون منطقه‌ای آسه آن (میلیارد دلار)



منبع: (ASEAN Secretariat)

براساس نمودار شماره ۱، حجم تجارت برون منطقه‌ای آسه آن از دهه ۱۹۹۰ تا کنون رشد قابل ملاحظه‌تری نسبت به تجارت درون منطقه‌ای داشته است. با رجوع به آمار تجارت درون منطقه‌ای این نهاد، آنچه در نگاه اول به ذهن می‌رسد این است که تجارت درون منطقه‌ای در طول بیش از دو دهه، نشان دهنده افزایش همکاری و تبادلات درون منطقه‌ای است؛ اما آنچه در این بین مهم‌تر بوده و باید در نظر گرفته شود این است که تجارت برون منطقه‌ای آسه آن رشد بیشتری داشته است. همانطور که خط مشکی در نمودار نشان می‌دهد، علیرغم افزایش حجم تجارت درون منطقه‌ای، سهم این بخش نسبت به تجارت برون منطقه‌ای نه تنها رشدی را نشان نمی‌دهد؛ بلکه در چندسال اخیر کاهش و حتی راکد باقی مانده است. اینجاست که مشخص می‌شود اگرچه آسه آن بر همگرایی اقتصادی درون منطقه‌ای تاکید می‌کند؛ اما سازوکارهای مناسب برای پیگیری این امر را نیندیشیده است.

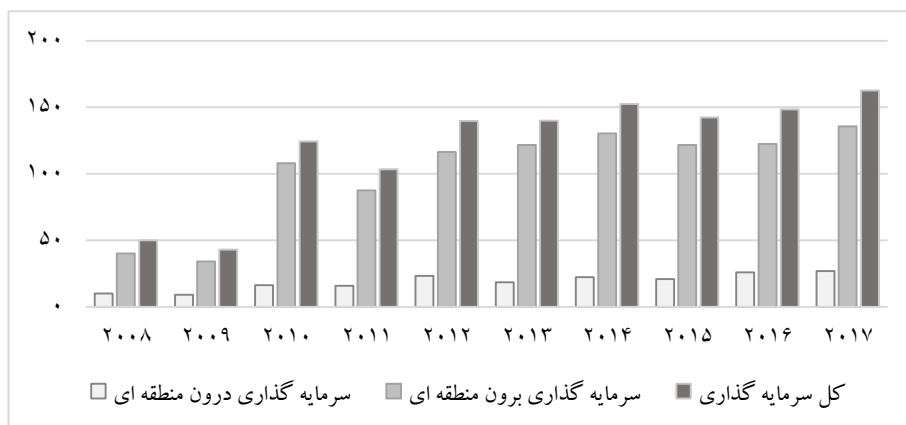
نمودار شماره ۲. تجارت خدمات آسه آن (میلیارد دلار)



منبع: (ASEAN Secretariat. 2018)

در نمودار شماره ۲ تجارت خدمات آسه آن از سال ۲۰۱۰ تا کنون آورده شده است. با اینکه اعضای آسه آن منطقه آزاد تجاری را در اواسط دهه ۲۰۰۰ اجرایی کردند؛ اما آمار مربوط به تجارت درون منطقه‌ای خدمات، با وجود رشد حجم کل تجارت خدمات، نه تنها رشد نکرده است؛ بلکه کاهش سه درصدی را نیز نشان می‌دهد که این یعنی آسه آن نه تنها به هدف خود (بازار مشترک) نزدیک نشده (البته در حال حاضر)؛ بلکه از آن دور نیز شده است.

نمودار شماره ۳. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی درون منطقه و برون منطقه‌ای در آسه آن (میلیارد دلار)



منبع: (ASEAN Secretariat. 2018)

اما آمار مربوط به حوزه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی درون منطقه‌ای اندکی متفاوت از دو حوزه قبلی است، به گونه‌ای که حجم سرمایه‌گذاری درون منطقه‌ای از ۸/۴ میلیارد دلار (۱۰/۲ درصد) در سال ۲۰۰۷ به ۲۴/۶ میلیارد دلار (۲۴/۴ درصد) در سال ۲۰۱۶ افزایش یافته است. در این بین تنها سال ۲۰۱۲ بوده که نسبت به سال قبل افزایش ۵ میلیارد دلاری داشته و حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی درون منطقه‌ای از ۱۸ میلیارد به ۲۳ میلیارد دلار رسیده و سال ۲۰۱۵ نسبت به سال قبل تفاوت زیادی نداشته است. به استثناء این دو مورد، حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی درون منطقه‌ای آسه آن پیوسته رشد داشته است و می‌توان در این حوزه ابراز امیدواری کرد (ASEAN Secretariat, 2017: 142-144). در سال ۲۰۱۷ نیز حجم سرمایه‌گذاری افزایش یافته و سهم کشورهای آسه آن از مجموع ۱۸۰ میلیارد دلار، ۲۶/۹ میلیارد دلار به ثبت رسیده است. آنچه از بررسی عملکرد درون منطقه‌ای آسه آن مشخص است، جز عملکرد نه چندان قوی این نهاد منطقه‌ای نیست؛ البته ذکر این موضوع حائز اهمیت است که آسه آن در حوزه‌های مختلف با وجود کمبودهای موجود، عملکرد خوبی را ثبت کرده و منظور از عملکرد نه چندان قوی در اینجا، تاحدودی ناتوانی در پیشبرد هدف خود یعنی همان بازار مشترک است که باعث شده واقعیت، ورای آرزوهای این نهاد منطقه‌ای خودنمایی کند.

## ۵-۲- تفاوت چشمگیر در توان و قابلیت اعضا

آسه آن به‌عنوان بلوک و یا نهادی منطقه‌ای از ۱۰ کشور با توانایی‌های بسیار متفاوت تشکیل شده است. در اینجا ما باید آسه آن را به دو گروه کشورهای با درآمد متوسط، متوسط به بالا و بالا مانند ۶ کشور آسه آن<sup>۱</sup> (سنگاپور، مالزی، برونئی، تایلند، اندونزی و فیلیپین) و گروه کشورهای کمتر توسعه‌یافته آسه آن<sup>۲</sup> تقسیم کنیم. در بین کشورهای دو گروه بالا نیز تفاوت‌های زیادی از نظر سطوح مختلف توانایی وجود دارد. به‌عنوان مثال در گروه کشورهای آسه آن ۶، درآمدهای برونئی اغلب بر صادرات مواد خام نفت و گاز وابسته است و این کشور در مقابل سنگاپور که درآمد آن اغلب بر خدمات و بعد از آن تولیدات صنعتی متکی است، قرار دارد. در میان کشورهای کمتر توسعه‌یافته آسه آن ۴ نیز سطح اقتصاد ویتنام با سه کشور دیگر کمی متفاوت بوده و این کشور نه تنها از منظر اقتصادی عملکرد بهتری نسبت به سه کشور دیگر داشته، بلکه توانسته است در دو

1. ASEAN6

2. ASEAN4 (CLMV)



دهه اخیر رشد و پیشرفت قابل ملاحظه‌تری را ثبت کند (ASEAN Secretariat. 2017: 125-59). حجم اقتصادی این مجموعه نیز تفاوت‌های بسیاری را نشان می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که تولید ناخالص داخلی اندونزی (۲۰۱۷) بیش از یک تریلیون در سال؛ اما همین شاخص در کشور لائوس ۱۶ میلیارد دلار است. این شاخص گویای توانایی و قابلیت کشورهای منطقه است که تفاوت بسیار زیادی را نیز نمایان می‌سازد (Statista. 2018).

به دلیل تفاوت کشورهای منطقه، انتظارات آن‌ها نیز از سه شاخه اصلی آسه آن، مخصوصاً اجتماع اقتصادی آسه آن متفاوت است. به‌عنوان مثال درحالی‌که این نهاد به‌عنوان حامی منافع کشورهای با اقتصاد باز [مانند سنگاپور و مالزی] عمل می‌کند، برای یک کشور توسعه‌نیافته کوچک مانند لائوس یا کامبوج، مفید بودن آن بیشتر در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است که این امر نیز در واقعیت امر چندان به نفع این کشورها نیست. به‌عنوان مثال از مجموع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که وارد منطقه می‌شود سنگاپور نزدیک ۵۰ درصد و کشورهای توسعه‌نیافته کوچک مانند لائوس، کامبوج و میانمار ۲ تا ۵ درصد از آن را به خود اختصاص می‌دهند (البته این سیر به تدریج تغییر خواهد کرد) که این امر منجر به عدم تمایل به تخصیص منابع در راستای ادغام منطقه‌ای بیشتر می‌شود (ASEAN Secretariat. 2017: 141). در مورد منافع حاصل از توسعه همگرایی اقتصادی نیز تفاوت دیدگاه وجود دارد. به‌عنوان مثال درحالی‌که کشورهای توسعه یافته‌تر مانند تایلند، اندونزی و مالزی به‌دنبال ارتقا و توسعه تولید قطعات الکترونیکی و صنعت خودرواند، کشورهایمانند میانمار، برونئی و لائوس بیشتر علاقه‌مند به اولویت قائل شدن برای صنایع مبتنی بر ذخایر و منابع معدنی هستند (OECD. 2018; UNcomtrade 2018). این امر توسعه بازار یکپارچه در بخش‌های گوناگون منطقه‌ای را با چالش مواجه می‌کند؛ اما ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که با برنامه‌ریزی دقیق نقایص ذکر شده قابل رفع است.

ملی‌گرایی اقتصادی (حمایت‌گرایی) بعضی از کشورهای آسه آن مانند اندونزی (و با انتخابات کنونی مالزی) نیز به یکی از چالش‌های منطقه‌ای تبدیل شده که اولویت را به جای آزادسازی اقتصادی بر ایجاد ساختار و زیرساخت‌های ملی متمرکز کرده‌اند. عدم قطعیت سیاسی در فیلیپین و اندونزی یکی دیگر از چالش‌های حال حاضر منطقه است (Mumford & Ramamurthy. 2018: 6). به دلیل نیاز کشورهای کوچک‌تر به منابع مالی عظیم زیرساختی، آن‌ها ترجیح می‌دهند در طرح‌های جدیدتر کشورهای بزرگ مانند چین و ژاپن باقی بمانند.

### ۵-۳- موانع سیاسی و تمایلات فراملی آسه آن

یکی دیگر از چالش‌های کشورهای منطقه برای تعمیق همکاری‌های خود این است که آن‌ها تمایل دارند قسمتی از آسه آن باشند، در حالی که در خدمت منافع ملی خویش (اقتصادی یا سیاسی) هستند. این یعنی کشورهای آسه آن تمایلی به واگذار کردن اقتدار و حاکمیت خود به نهادی فراملی ندارند [و ایجاد هر نهادی را در راستای تقویت و تحکیم حاکمیت ملی خود می‌دانند]. وجود اصل عدم مداخله در امور داخلی<sup>۱</sup> در منشور آسه آن (Portela. 2013: 1) باعث شده است کشورهای منطقه در مقابل بحران‌های مختلف داخلی، اصل همکاری و مشورت را کنار بگذارند و حس وحدت و یکپارچگی خود را از دست بدهند. مثال بارز این امر بحران روهینگیا است که از اوت سال ۲۰۱۵ آغاز شده است و کشورهای منطقه مدت زمان زیادی به دلیل پایبندی به اصل مورد نظر اقدامی در پیش نگرفتند و بالاخره به واسطه فشارهای بین‌المللی، مالزی صرفاً انتقاداتی را هرچند اندک وارد کرد. آسه آن برای اینکه بتواند به‌عنوان بازاری مشترک عمل کند، نیازمند سازوکارهای دقیق‌تر و هماهنگ‌تری جهت حل منازعات و مشکلات ایجاد شده است.

همچنین پس از سال‌ها مذاکره اعضای آسه آن برای تبدیل اعلامیه اخلاقی به منشور اخلاقی آسه آن، کامبوج به‌عنوان میزبان نشست در سال ۲۰۱۲ مشخص شد؛ اما کامبوج به دلیل روابط نزدیک و ترس از خروج سرمایه‌های چین، تشکیل منشور را وتو کرد و به درخواست بیجینگ از گفتگو در مورد آن امتناع ورزید (عباس‌زاده و رضانی، ۱۳۹۶: ۷۸-۷۹). گرایش‌های متفاوت اعضای آسه آن از منافع سیاسی و اقتصادی این کشورها نشأت می‌گیرد. به‌عنوان مثال در مورد اختلافات منطقه‌ای دریای جنوب چین، فیلیپین و ویتنام درگیری بیشتری با چین دارند (عباس‌زاده و رضانی، ۱۳۹۶: ۷۶) و کشورهایمانند لائوس، میانمار و کامبوج سعی می‌کنند در این مسئله ورود پیدا نکنند. این موارد نشان‌دهنده عدم وجود سیاست‌های مشترک است که کشورهای آسه آن را به سمت استقلال رای سوق می‌دهد و نتیجه قطعی آن بروز بی‌اعتمادی بین طرفین است. در اینجا ذکر این واقعیت نیز می‌تواند اندکی برای درک موضوع راه‌گشا باشد که به‌نظر می‌رسد کشورهای آسه آن تاکید خود را بیشتر بر حوزه اقتصادی یعنی یکی از سه شاخه اجرایی آسه آن گذاشته‌اند و آسه آن برای دستیابی به هدف خود نیازمند ایجاد

1- the principle of non-interference in internal affairs

توازن بین سه شاخه اجرایی آسه آن یعنی اجتماع امنیتی، فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی است و با توجه به وضعیت حاضر باید منتظر ماند که آیا نظریه ارنست هاس مبنی بر «سرریزی» از حوزه همگرایی و همکاری اقتصادی به دیگر حوزه‌های سیاسی و امنیتی آسه آن محلی از اعراب پیدا خواهد کرد یا خیر.

عملکرد اکثر کشورهای آسه آن با روابط نزدیک بین بنگاه‌ها و سیاستمداران ارتباط دارد. شرکت‌های داخلی نیز از ادغام منطقه‌ای و تغییر ساختار قوانین و مقررات اقتصاد ملی نگران‌اند. این شرکت‌ها با صاحبان قدرت رابطه نزدیک دارند (Deinla. 2017: 102; Gomez. 2002: 2; Basu Das. 2016: 5). (دلیل آن هم حمایت این شرکت‌ها در مواقع انتخابات از کاندیدهاست تا در مقابل آن‌ها نیز منافع شرکت‌ها را در نظر بگیرند و در راستای حفظ آن گام بردارند) و تقاضای مقررات داخلی برای دور زدن اصلاحات لازم برای ادغام منطقه‌ای به شدت بالا است. این امر در موارد بسیاری از موافقت‌نامه‌های به رسمیت شناختن مشترک حرفه و مشاغل آسه آن دیده می‌شود که بر اساس آن اجازه استخدام خارجی‌ها تحت قوانین و مقررات داخلی انجام می‌شود. این گونه تفاوت‌ها در منافع ملی و فرهنگ سیاسی اغلب ابتکارات منطقه‌ای را با مشکل مواجه می‌کند و روند ادغام را به‌طور قابل توجهی به تاخیر می‌اندازد (Basu Das. 2016: 5).

ظهور چین و رقابت‌های اقتصادی این کشور با ژاپن [هند، ایالات متحده و کره جنوبی] در منطقه شرق آسیا نیز یکی دیگر از موانع همگرایی اقتصادی آسه آن است. رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در منطقه شرق آسیا باعث شد آسه آن در سال ۲۰۰۷ بر اصل مرکزیت آسه آن<sup>۱</sup> تاکید کند. یکی از نمونه‌های بارز رقابت اقتصادی چین و ژاپن در قالب مرکزیت آسه آن، مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای است که ۱۶ کشور (۱۰ کشور آسه آن به علاوه چین، ژاپن، کره جنوبی، هند، استرالیا و نیوزیلند) را در بر می‌گیرد [و به‌عنوان منطقه آزاد تجاری عمل می‌کند]. اگرچه رقابت‌های دو کشور به رشد و توسعه ابعاد گوناگون کشورهای منطقه و به تبع آن تامین نیازهای همگرایی اقتصادی بیشتر کمک خواهد کرد؛ اما این واقعیت را نیز باید پذیرفت که رقابت قدرت-های بزرگ باعث می‌شود کشورهای آسه آن با توجه به وابستگی و همچنین منافع و علایق متفاوت خود به سمت یکی از این کشورها سوق پیدا کنند (رمضانی، ۱۳۹۷: ۱۹۲-۱۸۸) و این واقعیت کشورهای منطقه را از هدف خود مبنی بر همگرایی بیشتر در

قالب نهاد آسه آن دور خواهد ساخت. موارد مذکور به نوبه خود منجر به تفرقه، بی‌اعتمادی و جدایی کشورهای منطقه می‌شود. همچنین چین و هند که جمعیت‌های میلیاردی دارند، سرمایه‌های خارجی را به سمت خود جذب کرده و منجر به کند شدن سیر فزاینده جریان سرمایه به منطقه جنوب شرق آسیا شده‌اند.

کشورهای آسه آن بسیاری از تعهدات ساده‌تر را در قالب اجتماع اقتصادی آسه آن اجرا کرده‌اند. پیاده‌سازی موارد باقی‌مانده نیاز به ترکیب عواملی متعدد دارد و ساده نیست. اجرای این اقدامات نسبتاً دشوار، نیاز به سازمان قوی و منابع انسانی و مالی دارد. اکثر کشورهای آسه آن فاقد پیش‌نیازهای مذکور هستند و اکثر این کشورها باید اصلاحات ساختاری مناسبی را در راستای تعمیق همگرایی اقتصادی در دستور کار قرار دهند (ADBI. 2014: xxix-15). برخی دیگر از انواع موانع همگرایی اقتصادی، وجود برخی موانع تعرفه‌ای که مانع حرکت آزادانه کالا، نیروی کار و سرمایه بین کشورها می‌شود؛ قوانین و مقررات متفاوت که مانعی بر سر هماهنگی و یکپارچه عمل کردن طرفین است؛ مقررات و دیوان‌سالاری بیش از حد که مانع تسریع انجام اقدامات می‌شود. کمبود اطلاعات از فضای کسب و کار کشورهای عضو و زیرساخت‌های ناکافی نیز از دیگر موانع موجود جهت همکاری اقتصادی بیشتر است (Hu. 2013: 466). به‌عنوان مثال: به دلیل سطح توسعه‌یافتگی سنگاپور و تا حدودی سیاست‌های رفاهی برونئی، این کشورها اعمال تعرفه‌های بالا نسبت به واردات کالاهای خارجی را نخواهند پذیرفت و اگر خلاف این امر تحقق یابد، رفاه نسبی سنگاپور و برونئی مورد هدف قرار خواهد گرفت که به‌نظر نمی‌رسد این پیامد را بپذیرند (مگر اینکه سیاست‌های جبرانی پیش‌بینی و اعمال شود) (Basu Das & Others. 2016: 1-18; Plummer. 2006: 934). در نتیجه کشورهای آسه آن مراحل همگرایی منطقه‌ای را به‌صورت کامل و در بازه زمانی کوتاه نمی‌توانند طی کنند و باید استثنائاتی را در مسیر همگرایی منطقه‌ای کامل در نظر بگیرند تا ادغام بیشتر در قالب هر ۱۰ عضو نهاد مزبور ممکن و اجرایی شود.

## نتیجه‌گیری

کشورهای آسه آن از دهه ۱۹۹۰ به سمت همگرایی اقتصادی بیشتر حرکت کردند. هدف اعضای این نهاد منطقه‌ای، همگرایی اقتصادی در قالب منطقه آزاد تجاری بود که بازه زمانی آن تا سال ۲۰۱۵ برای شش عضو اصلی و اواخر ۲۰۱۸ برای ۴ عضو کمتر توسعه یافته لائوس، کامبوج، میانمار و ویتنام در نظر گرفته شده بود. کشورهای آسه آن

در سال ۲۰۱۵ تصمیم گرفتند بازار مشترک آسه آن را در طول یک دهه یعنی تا سال ۲۰۲۵ اجرایی کنند و نقشه راه آن را نیز تعیین کردند. انتخاب پول واحد نیز موضوع دیگری است که ابتدا توسط مالزی مطرح شد و برای اجرایی شدن بازار مشترک (جهت حرکت آزاد و بدون مانع افراد، کالا و خدمات در میان کشورهای عضو) ضروری است؛ اما توافقی میان اعضای این نهاد بر سر اینکه پول کدام کشور به‌عنوان پول واحد انتخاب شود، وجود ندارد و هر کشور برای حفظ رقابت‌پذیری حوزه صادرات خود مخالف اتخاذ پول واحد یا مشترک برای سازمان مزبور است. با وجود پیشرفت‌هایی که اعضای آسه آن در حوزه‌های مختلف داشته‌اند، این نهاد برای دستیابی به هدف خود یعنی بازار مشترک موانع بسیار زیاد و دشواری را پیش‌رو دارد که به‌نظر می‌رسد در این بازه زمانی اندک توانایی دستیابی به بازار مشترک را نخواهد داشت و دلیل آن هم نه‌تنها اختلاف سطوح توسعه و پیشرفت در حوزه‌های مختلف اعضا؛ بلکه نبود منابع و سازوکارهای شایسته و درخور برای تعقیب این هدف است. نه‌تنها موانع داخلی؛ بلکه جذابیت و منافع حاصل از همکاری‌های فرامنطقه‌ای یا بین منطقه‌ای، کشورهای آسه آن را به سمت همگرایی فرامنطقه‌ای (شرق آسیا) سوق می‌دهد و این امر اگرچه موجب آزادسازی بیشتر اعضا با گذشت زمان می‌شود؛ اما مانع بزرگی بر سر راه تسریع و تعمیق همگرایی اقتصادی منطقه‌ای (جنوب شرق آسیا) و در قالب نهاد آسه آن خواهد بود. موانع درونی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌صورت ترکیبی از عوامل عمل کرده و به احتمال زیاد همگرایی بیشتر را به تأخیر خواهند انداخت. وجود موانعی در مقابل آزادی انتقال کالا، کار و سرمایه بین اعضا در حال حاضر موجب شده است آسه آن اقداماتی مانند کاهش تعرفه‌ها و حتی حذف آن‌ها را جهت دستیابی به اتحادیه همگرا تر دنبال کند. با بررسی تجربه همگرایی منطقه‌ای در قالب نهاد آسه آن، می‌توان رشد این پدیده (همگرایی منطقه‌ای) را تایید کرد؛ اما نباید این نکته را از نظر دور داشت که در حوزه علوم اجتماعی و انسانی ممکن است علت و عوامل هر پدیده، وجوه و یا ابعاد گوناگونی را برتابد، ما نمی‌توانیم علتی واحد را برای اثبات ادعایی خاص، به موضوعی مشخص نسبت دهیم. در اینجا می‌توان به این نتیجه رسید که علل ذکر شده در قسمت‌های پیشین، دست در دست هم داده و موانعی را به نسبت‌های گوناگون، با شدت و ضعف‌های مختلف در مقابل همگرایی بیشتر آسه آن ایجاد کرده‌اند. فقدان سازوکارهای سنجیده نیز مانع رفع مشکلات موجود می‌شود.

به نظر می‌رسد کشورهای آسه آن اگرچه در مواجهه با مشکلات متعدد توانایی دستیابی به بازار مشترک را خواهند داشت؛ اما این هدف با وجود حجم بالای موانع، چالش‌ها و مشکلات کنونی کمی زمان بر است و دوره زمانی آن احتمالاً بیش از یک دهه خواهد بود. البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که آسه آن در مواردی مانند بازه زمانی ایجاد منطقه آزاد تجاری، ثابت کرده است که می‌تواند حتی زودتر از موعد مقرر به هدف خود جامه عمل بپوشاند و نمی‌توان سرنوشت و تجربه کشورهای پیشرفته را به‌عنوان نسخه غیرقابل تخطی و سرنوشت مختومه کشورهای در حال توسعه و از جمله نهاد مزبور پیچید.

## منابع

- امیدی، علی. (۱۳۸۵). «تاثیر ژئوپولیتیک در رخوت همگرایی در اکو و بالندگی آسه آن». *فصلنامه ژئوپولیتیک*. شماره ۱. ۱۵۷-۱۲۳.
- امیدی، علی. (۱۳۸۸). *منطقه‌گرایی در آسیا: نگاهی به سازمان‌های آسه آن، سارک و اکو*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- رضانی، احمد. (۱۳۹۷). *رقابت‌های اقتصادی چین و ژاپن در آسیای جنوب شرقی*. تهران: انتشارات سخنوران.
- سازمند، بهاره. (۱۳۸۸). *هویت مشترک و منطقه‌گرایی در جنوب شرق آسیا (آسه آن ۲۰۰۵-۱۹۶۷)*. تهران: وزارت امور خارجه.
- سازمند، بهاره. (۱۳۸۸). «منطقه‌گرایی اقتصادی در شرق آسیا: آسه آن +۳؛ چالش‌ها و فرصت‌ها». *فصلنامه پژوهش‌های تجارت جهانی*. شماره ۱۴ و ۱۵. ۸۱-۴۹.
- سازمند، بهاره. (۱۳۸۶). «بررسی همگرایی اقتصادی در میان اعضای آسه آن از منظر بین حکومت‌گرایی». *فصلنامه سیاست خارجی*. شماره ۳. ۵۳۲-۴۰۹.
- سازمند، بهاره و رضانی، احمد. (۱۳۹۷). «چین و ژاپن، دو ابتکار فرامنطقه‌ای رقیب در آسیا-پاسیفیک». *فصلنامه سیاست جهانی*. شماره ۱. ۸۰-۵۱.
- عباس زاده، مهدی و رضانی، احمد. (۱۳۹۶). «سیاست چین در دریای جنوبی؛ سیاست قدرت و نفوذ دریایی». *فصلنامه سیاست جهانی*. شماره ۲. ۸۱-۵۹.
- کولائی، الهه و سازمند، بهاره. (۱۳۹۰). «همگرایی منطقه‌ای در آسیا: تحلیل تطبیقی اکو و آسه آن در آسیا». *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*. شماره ۲۷. ۸۰-۵۹.
- متقی، ابراهیم و احمدی خوی، امیررضا. (۱۳۹۴). «منطقه‌گرایی تطبیقی، همگرایی اقتصادی و استقرار امنیت؛ مطالعه موردی: سازمان کنفرانس اسلامی و آسه آن». *فصلنامه ژئوپولیتیک*. شماره ۴۰. ۱۴۷-۱۱۷.

## References

- Armstrong, David; Lloyd, Lorna & Redmond, John. (2004). *International organisation in world politics*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Asian Development Bank Institute (ADBI). (2014). *ASEAN 2030: Toward a Borderless Economic Community*. Japan: Asian Development Bank Institute (ADBI).
- Aswathappa, K. (2010). *International Business*. Fourth edition. New Delhi: Tata McGraw Hill.

- Balassa, Bela. (1961). *The Theory of Economic Integration*. London and New York: Routledge.
- Basu Das, Sanchita. (2015). *The ASEAN Economic Community and Beyond: Myths and Realities*. Singapore: ISEAS.
- Basu Das, Sanchita. (2016). Huge Challenges Await AEC 2025, *ISEAS*, NO. 48, 1-9.
- Basu Das, Sanchita; Sen, Rahul & Srivastava, Sadhana. (2016). A Partial ASEAN Customs Union Post 2015?. *The Singapore Economic Review*, Vol. 63, No. 1, 1-25.
- Bhalla, A. S; Bhalla, P. (1997). *Regional Blocs: Building Blocks or Stumbling Blocks?*. Basingstoke & New York: MACMillan Press & ST. Martin's Press.
- Bitzenis, Aristidis. (2009). *The Balkans: Foreign Direct Investment and EU Accession*. Farnham, United Kingdom: Ashgate Publishing.
- Both, G. Deniz. (2018). Models of regional cooperation in competition law and policy from around the world: lessons for the ASEAN region. In: *The Regionalisation of Competition Law and Policy within the ASEAN Economic Community*, Burton Ong, Cambridge: Cambridge University Press.
- Christopher B. Roberts. (2014). *ASEAN Regionalism: Cooperation, Values and Institutionalization*. London & New York: Routledge.
- Corfield, Justin. (2011). *Historical Dictionary of Singapore*. Lanham, Maryland: Scarecrow Press.
- CRS Report. (2017). The European Union: Current Challenges and Future Prospects. *Congressional Research Service*, 1-21.
- Deinla, Imelda. (2017). *The Development of the Rule of Law in ASEAN*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Dieter, Heribert. (2002). APEC, Australia and New Zealand: Pathways to Asia?. In: *Asia-Pacific Economic Cooperation (APEC): The First Decade*. Werner Draguhn, Eva Manske, Jürgen Rüländ, London and New York: Routledge.
- Dosenrode, Soren. (2015). *Limits to Regional Integration*. London and New York: Routledge.
- EL-Agraa, Ali M. (1999). *Regional Integration: Experience, Theory and Measurement*. London: Macmillan.
- El-Agraa, Ali M. (2007). *The European Union Economics and Policies*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ethier, Wilfred J. (1998). The New Regionalism. *The Economic Journal*, Vol. 108, No. 449, 1149-1161.
- Findlay, Christopher; Urata, Shujiro. (2009). *Free Trade Agreements in the Asia Pacific*. Singapore: World Scientific Publishing.
- Frankel, Jeffrey A. (1997). *Regional Trading Blocs in the World Economic System*. Washington D.C: Institute for International Economics.



- Gebru, Solomon Gebreyohans. (2016). Regional Integration in the Horn of Africa: State of Affairs and Challenges. *Center for European Integration Studies* (ZEI), WAI-ZEI Paper, No. 31, 1-37.
- Gekonge, Christopher O. (2014). *Emerging Business Opportunities in Africa: Market Entry, Competitive Strategy, and the Promotion of Foreign Direct Investments*. USA: Business Science Reference (IGI Global).
- Gomez, Edmund. (2002). *Political Business in East Asia*. London and New York: Routledge.
- Haokip, Thongkholal. (2012). Recent trends in regional integration and the Indian experience. *International Area Studies Review*, Vol. 15, No. 4, 377-392.
- Hapsari, Indira M; Mangunsong, Carlos. (2006). Determinants of AFTA Members' Trade Flows and Potential for Trade Diversion. *The Asia-Pacific Research and Training Network on Trade (ARTNeT)*, Working Paper Series, No. 21, 1-28.
- Hu, Albert G. (2013). ASEAN Economic Community Business Survey. In: *The Asean Economic Community: A Work In Progress*, Sanchita Basu Das. Jayant Menon; Rodolfo Severino & Omkar Lal Shrestha, Japan and Singapore: Asian Development Bank (ADB) and ISEAS.
- Huong Dang, Thi Thu. (2008). *Examining the Engagement Between Civil Society in Southeast Asia and ASEAN in the ASEAN Community Building Process*. Munich, Germany: grin verlag.
- Kawai, Masahiro. (2005). Eats Asian economic regionalism: progress and challenges. *Journal of Asian Economics*, 16, 29-55.
- Kiki, Verico. (2017). *The Future of the ASEAN Economic Integration*. London: Palgrave Macmillan.
- Langhammer, Rolf J; Hiemenz, Ulrich. (1990). *Regional integration among developing countries: opportunities, obstacles and options*. Kieler Studien, No. 232, 1-102.
- Lupel, A. (2004). Regionalism and Globalization: Post-Nation or Extended Nation. *Polity*, No. 36, 153-174.
- Lvova, Elena. (2003). *Integration of the Ukraine to the world's economic system by means of Special Investment Regimes*. Germany: German National Library.
- OECD. (2012). *OECD Review of Agricultural Policies: Indonesia 2012*. Paris: OECD Publishing.
- Ohmae, Kenichi. (1996). *The end of the Nation State: The rise of regional economies*. Free Press Paperbacks, 1-18.
- Ohmae, Kenichi. (1995). *The end of the nation state: the rise of regional economies*. London: Free Press.
- Park, Donzhyun; Goh, Ming Sze. (1998). Prospects of Economic Integration in Southeast Asia. *East Asian Economic Issues*, Volume 4, Jon D Kendall; Park Donghyun, Singapore: world scientific Publishing.

- Peters-Berries, Christian. (2010). *Regional Integration in Southern Africa – A Guidebook*. Germany: Internationale Weiterbildung und Entwicklung gGmbH (InWEnt).
- Plummer, Michael G. (2006). An ASEAN customs union?. *Journal of Asian Economics*, Vol. 17, 923–938.
- Portela, Clara. (2013). the association of southeast asian nations (asean): Integration, Internal Dynamics and External Relations. European Union: Policy Department, *Directorate-General for External Policies of the Union*, 1-23.
- Smeets, Heinz-Dieter. (1996). Grundlagen der regionalen Integration: Von der Zollunion zum Binnenmarkt. In *Europäische Integration*, Ohr Renate, Stuttgart, Berlin, Köln, 47–75.
- Strange, Susan. (1996). *The Retreat of the State: The Diffusion of Power in the World Economy*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Than, Mya. (2005). *Myanmar in ASEAN: Regional Cooperation Experience*. Singapore: ISEAS.
- United States International Trade Commission (USITC). (2010). *Asean: Regional Trends in Economic Integration, Export Competitiveness, and Inbound Investment for Selected Countries*, No. 332-511, Washington D.C.
- ASEAN Secretariat. (2013). ASEAN Economic Community (AEC): Chartbook. ASEAN Secretariat. on [http://www.aseanstats.org/wp-content/uploads/2016/11/AEC\\_Chartbook-2013-1-1.pdf](http://www.aseanstats.org/wp-content/uploads/2016/11/AEC_Chartbook-2013-1-1.pdf). <https://www.statista.com/statistics/804307/gross-domestic-product-gdp-per-capita-in-the-asean-countries/>
- ASEAN Secretariat. (2017). ASEAN Economic Community (AEC): Chartbook. ASEAN Secretariat. on [http://www.aseanstats.org/wp-content/uploads/2018/01/AEC\\_Chartbook\\_2017.pdf](http://www.aseanstats.org/wp-content/uploads/2018/01/AEC_Chartbook_2017.pdf).
- Asian Development Bank (ADB). (2018). Asia Regional Integration Center. on <https://aric.adb.org/fta-trends-by-status>
- ASEAN Secretariat. (2018). on <http://asean.org/asean/asean-secretariat/> Gathi, James Thuo. (2009). African Regional Trade Agreements as Flexible Legal Regimes, Working Paper Series, No. 20. on <http://scholarship.law.unc.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1903&context=ncilj>.
- The Observatory of Economic Complexity (OEC). (2018). on <https://atlas.media.mit.edu/en/profile/country>
- The Statistics Portal. (2018). ASEAN countries: Gross domestic product (GDP) per capita in current prices from 2008 to 2018 (in U.S. dollars).
- The Statistics Portal. (2018). Gross domestic product (GDP) of the ASEAN countries from 2008 to 2018 (in billion U.S. dollars). on <https://www.statista.com/statistics/796245/gdp-of-the-asean-countries/>
- United Nations. (UN) Analytics (UN comtrade). (2018). on <https://comtrade.un.org/labs/data-explorer/>

